



International Conference on The School of Martyr Soleimani
(ICSMS 2021)

Manifestation of Quranic honor in Soleimani school

M Kashefizadeh *

F Heidari **

Abstract

"honour means strength" is one of the Qur'anic concepts that is clearly evident in the Soleimani school. Examining the concept of honor in the Qur'an and finding its Qur'anic examples according to the importance of this concept in various sciences (interpretation, narrations, social sciences, etc.) and the influence of the Soleimani school on this Qur'anic concept and expressing examples of this concept in the second step statement of The purpose of this article is to follow the concept of honor in three parts of the Quran, Soleimani school and the statement of the second step to examine the concept of honor in the Quran, the unknown dimensions of the Soleimani school and its impact on individual dimensions. Be socially and internationally exposed. Introducing the concept of dignity, meaning solidity in the Soleimani school, and the statement of the second step can set a good example for the people and the international community. Article ahead; Using a descriptive-analytical method and citing library sources, he intends to "manifest the Qur'anic dignity in the Soleimani school". The results of the present article indicate that it is possible to achieve Qur'anic dignity in the light of faith, obedience and righteous deeds. The love of meeting the Almighty God, humility while authority in the presence of Martyr Soleimani is a sign of this realization. Iqbal to God, having a revolutionary spirit and accepting guardianship are among the things that show the strength of Martyr Soleimani in the social dimension. Dominance and toughness against foreigners, accurate implementation of Islamic foreign policy and courage in the international arena show the manifestation of Quranic honor of Martyr Soleimani in the international arena

Keywords: *Statement of the second step of the revolution, Quranic honor, Soleimani school*

** Level three of Quranic exegesis and sciences, Al-Zahra Society, Qom, haramm@chmail.ir

** Level three of education and master of literature, Al-Zahra Society ,, Qom, fatemeheidari313@gmail.com



تجلی عزت قرآنی در مکتب سلیمانی

معصومه کاشفی زاده * و فاطمه حیدری **

چکیده

عزت به معنای صلابت از مفاهیم قرآنی است که در مکتب سلیمانی، به وضوح مشهود است. بررسی مفهوم عزت در قرآن و یافتن مصادیق قرآنی آن با توجه به اهمیت این مفهوم در علوم مختلف (تفسیر، روایات، علوم اجتماعی، و ...) و تأثیرپذیری مکتب سلیمانی از این مفهوم قرآنی و بیان مصادیق این مفهوم در بیانیه گام دوم از اهداف این نوشتار به شمار می‌آید که تتبع مفهوم عزت، در سه بخش قرآن، مکتب سلیمانی و بیانیه گام دوم صورت می‌گیرد تا ضمن بررسی مفهوم عزت در قرآن، ابعاد ناشناخته مکتب سلیمانی و تأثیر و تأثر آن در ابعاد فردی، اجتماعی و بین‌المللی آشکار گردد. معرفی مفهوم عزت به معنای صلابت در مکتب سلیمانی و بیانیه گام دوم می‌تواند الگوی مناسبی را پیش روی مردم و جامعه جهانی قرار دهد. مقاله پیش رو؛ با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای در صدد است به «تجلی عزت قرآنی در مکتب سلیمانی» بپردازد. نتایج نوشتار حاضر، حاکی از آن است که دستیابی به عزت قرآنی در پرتو ایمان، اطاعت و انجام اعمال صالح، امری ممکن است. عشق دیدار خدای متعال، فروتنی در عین اقتدار در وجود شهید سلیمانی نشانه‌ای از تحقق این امر است. اقبال به خدا، داشتن روحیه انقلابی و ولایت‌پذیری از جمله مواردی است که صلابت شهید سلیمانی را در بُعد اجتماعی نمایان می‌سازد. سلطه ناپذیری و صلابت در مقابل بیگانگان، اجرای دقیق سیاست خارجی اسلام و شجاعت در عرصه بین‌المللی، نشانگر تجلی عزت قرآنی شهید سلیمانی در عرصه بین‌المللی است.

کلیدواژه‌ها: عزت قرآنی، مکتب سلیمانی، بیانیه گام دوم انقلاب.

* سطح سه رشته تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهرا، قم، haramm@chmail.ir

** سطح سه رشته تعلیم تربیت و کارشناسی ارشد ادبیات، جامعه الزهرا، قم، fatemeheidari313@gmail.com



مقدمه

«عزت» به معنای صلابت به طور حقیقی در خدای متعال منحصر است و عزت موجودات ممکن، پرتوی از عزت انحصاری خدای متعال است. مفهوم عزت، ارزشی الهی - انسانی و عزت انسان در گرو نزدیکی به خدای متعال بوده، راه وصول به عزت نیز ایمان و انجام اعمال صالح است. افراد غیر معصوم نیز به میزان پیمودن این راه به رشحه‌هایی از عزت الهی دست می‌یابند. در عصر حاضر نمونه‌های عینی از این الگوهای انسانی وجود دارد که با اثرپذیری از آموزه‌های قرآن، عزت قرآنی را در خود متبلور ساخته‌اند. شهید سلیمانی یکی از نمونه‌های بارزی است که در سایه ایمان و اعمال صالح، توانسته در ابعاد فردی، اجتماعی و بین‌المللی به عزت قرآنی دست یابد و در دیگران نیز اثرگذار باشد. عزت مداری شهید سلیمانی الگویی عینی برای هر کسی است که بخواهد در مسیر کمال، گام بردارد. ابعاد شخصیتی او به گونه‌ای است که می‌تواند الگوی هر انسانی در هر منصبی و هر موقعیتی باشد. مفهوم عزت به معنای صلابت، در ابعاد مختلف زندگی شهید سلیمانی و به عبارت بهتر، مکتب سلیمانی، مشهود است.

همچنین مفهوم عزت به معنای صلابت در بیانیه گام دوم با عبارتی همچون مرزبندی با دشمن، تسلیم نشدن در برابر دشمن، و ... آمده است. توجه به زندگی شهید سلیمانی به عنوان نمونه بارز عمل به گام دوم انقلاب، خودسازی جامعه پردازی و تمدن سازی در بعد عزت مداری می‌تواند ضمن معرفی الگوی برتر در عمل به گام دوم انقلاب، ابعاد عزت قرآنی در جامعه را در سیره شهید سلیمانی نمایان سازد. علاوه بر این موضوع وجود عباراتی چون شکرگزاری از همزمانی با اولیا در وصیت نامه شهید سلیمانی می‌تواند آیین تمام نمای توجه به عزت مداری و اهمیت به دست آوردن عزت قرآنی در عصر حاضر باشد. برای تحقق اهداف و رویکردهای بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب که در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی توسط رهبر انقلاب صادر گردید بایستی به مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی توجه داشت و آنها را در «مقام عمل» دنبال نمود. با ایجاد چنین روحیه و ویژگی‌هایی، مسیر حرکت به سمت آینده‌ای روشن و امیدبخش بسیار دقیق‌تر و سریع‌تر طی خواهد شد. هر قدر به او و سیره معنوی و فکری و فضائل اخلاقی و نوع مدیریتش نزدیک‌تر شویم به تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب نزدیکتر شده‌ایم. یکی از این مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی عزت مداری است که ایشان در پرتو اثرپذیری از قرآن، به آن رسید و توانست در دیگران نیز اثرگذار باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

با بررسی‌های صورت گرفته، پایان نامه‌های «بررسی عزت در آیات و روایات» و «عزت‌مندی انسان در کلام وحی» و مقاله «مسئله عزت و ذلت در آیین مقدس اسلام» و منابع دیگری با موضوع عزت، جزو پیشینه عام محسوب می‌شود. در مورد مکتب سلیمانی در کتاب‌های گوناگون که با موضوع شهید سلیمانی منتشر شده، به بررسی بخشی از ابعاد

زندگی ایشان پرداخته شده مانند کتاب سلیمانی عزیز، نوشته طهماسبی و دو کتاب به نام ذوالفقار و حاج قاسم، به قلم اکبری، از چیزی نمی‌ترسیدم، زندگی نامه شهید سلیمانی، سردار مقاومت، نوشته قاسم نصیر زاده است، که از نظر محتوایی با نوشتار مقاله حاضر متفاوت است چرا که هر کدام زندگانی او را دنبال کرده و در آن آثار، ادغام صبغه قرآنی، مشاهده نشد؛ این نوشتار با بررسی مفهوم عزت در سه بخش قرآن، مکتب سلیمانی، بیانیه گام دوم و توجه به بُعد خاصی از وصیت نامه شهید سلیمانی (عزت) در یک مقاله نو و بدیع در صدد پاسخ به این سؤال است که «تجلی عزت قرآنی در مکتب سلیمانی چگونه است»؛ برای دستیابی به این پاسخ، مقاله حاضر عهده دار طرح بخشی از عزت مداری ایشان است که بعد از مفهوم‌شناسی، به عزت قرآنی شهید سلیمانی در محورهای فردی، اجتماعی و بین‌المللی، با زیر مجموعه هر یک پرداخته، اثرگذار بودن ایشان بر دیگران نیز ذکر می‌شود.

پیشینه پژوهش

پژوهشی تحت‌عنوان «تجلی عزت قرآنی در مکتب سلیمانی» در مراکز علمی، کار جدیدی است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای به «تجلی عزت قرآنی در مکتب سلیمانی» پرداخته است.

۱- مفهوم‌شناسی

قبل از شروع بحث ابعاد شخصیتی شهید سلیمانی در عزت قرآنی، لازم است واژه عزت از نظر لغت و قرآن کریم بررسی شود.

کلمه «عزت» کلمه‌ای عربی از ریشه «عز» در لغت به معنای شدت، قوت، غلبه، قهر، امتناع و ... (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۷۶؛ ابن فارس، ۱۴۱۱ ق، ص ۶۳۵؛ ابن منظور، بی‌تا ج ۹، ص ۱۸۵) است. عزت یعنی حالتی که مانع می‌شود از این که انسان مغلوب شود (راغب، ۱۴۲۶ ق، ص ۵۶۳). این کلمه و مشتقات آن، مکرر و در معانی متعدد در قرآن کریم به کار رفته، در یک جمع بندی می‌توان گفت اصل در معنای «عزت»، «صلابت (شکست‌ناپذیری)» است و از باب توسعه، در معانی دیگر مانند معنای غلبه، استعمال شده اما «عزت» به معنای قاهر و غالب، مختص به خدای متعال است چون غیر او هر کس که فرض شود در ذاتش فقیر و در نفس خود ذلیل است مگر حضرت حق، سهمی از عزت به او عطا کند هم چنان که به رسول و ایمان آورندگان به خود، عطا کرده است؛ بنابراین هر کس عزتی دارد از حضرت حق است که عزت، همه از آن اوست (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۷، ص ۲۲). معنای در بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای به عنوان یک اندیشمند دینی، چنین آمده است: «عزت به معنای ساخت مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه



است که او را در مقابله‌ی با دشمن، در مقابله‌ی با موانع، دارای اقتدار میکند و بر چالشها غلبه میبخشد» (بیانات: ۱۳۹۱/۰۳/۱۴)، همچنین ایشان در عرصه بین‌المللی فرمودند: معنای عزت این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود» (۱۳۶۸/۱۱/۰۹). بعد از ذکر اجمالی از مفهوم عزت، تجلی عزت قرآنی شهید سلیمانی در سه بُعد فردی، اجتماعی و بین‌المللی، می‌آید؛ در هر بُعد نیز بعد از الگوگیری از آیات الهی در شخصیت عزت مدار ایشان، به الگو بودن و تأثیر او بر دیگران، اشاره خواهد شد.

۲- تجلی عزت قرآنی شهید سلیمانی در بُعد فردی

در اهمیت عزت مؤمن، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوْضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أَمْرَهُ كُلَّهُا وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ؛ یعنی خدای متعال امور مؤمن را به خود او واگذار کرده اما اجازه ندارد که نفس خود را ذلیل کند (کافی، ج ۵، ص ۶۳). برخی افراد با اراده خود دارای این عزت نفس شده‌اند. «اتصال به مبدأ عزت»، «ایمان و اطاعت خدا، شرط عزت»، «عشق دیدار خدای متعال»، «پذیرش رنگ الهی»، «فروتن در عین اقتدار» از جمله موارد تجلی عزت قرآنی بُعد فردی در مکتب شهید سلیمانی است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

اتصال به مبدأ عزت

طبق آیه «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (نساء: ۱۳۹) عزت حقیقی در انحصار خدای متعال است، اما بر اساس آیه «تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» (آل عمران: ۲۶) و آیه «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً» (فاطر: ۱۰) راه برای دیگران بسته نیست و آن را از مبدأ عزت دریافت می‌کنند و کسانی هستند که به خاطر اتصال به مبدأ عزت می‌توانند به رشحه‌هایی از عزت حقیقی دست یابند «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸). هر کسی به خدا متصل شود به همان اندازه خدای متعال به او عزت می‌دهد و به همان اندازه‌ای که متصل شود قیمت و ارج پیدا می‌کند.

این اتصال و پیوستگی به مبدا عزت در زندگی شهید سلیمانی تجلی یافته است. در خاطرات زندگی ایشان از زبان دوستانش اینگونه آمده: «بارها گفتم طی سال‌ها رفاقت با حاج قاسم هیچ وقت ندیدم نماز شب شهید سلیمانی قطع شود؛ آن هم نه نماز شبی عادی، نماز شب‌های او همیشه با ناله و اشک و اندوه به درگاه خدا بود. من با شهید سلیمانی رفت و آمد داشتم حتی بارها در منزلشان خوابیدم، اتاق مهمانان با اتاق حاج قاسم فاصله داشت اما من با اشک و صدای ناله‌های او برای نماز بیدار می‌شدم» (نصیرزاده، ۱۳۹۹). او علاوه بر انجام واجبات عبادی به مستحبات نیز توجه ویژه‌ای داشت؛ از هر فرصتی برای تلاوت آیات قرآن، دعا و مناجات بهره می‌جست. مقید به تهجد و نماز شب بود. گریه و راز و نیازهای او در دل شب به روشنی تصویری از یک عارف واصل به دست می‌دهد. عرفان و حماسه هرچند دو رفتار متفاوت می‌باشند اما وقتی عرفان، وصول به حقیقت از طریق شریعت و حماسه از جنس جهاد فی سبیل الله باشد جان مایه آن‌ها یکی می‌شود (شورای فرهنگ عمومی، ۱۳۹۸ بیانیه تفصیلی).

ایمان و اطاعت خدا، شرط عزت



خدای متعال بندگان خود را به ایمان و پرستش با اخلاص و دوری از شرک فرا خوانده (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۳، ص ۱۵۷) بنده مخلص که اخلاص خود را با محبت به خدا اظهار می‌دارد، هیچ هدفی ندارد جز این که خدا هم او را دوست بدارد. لازمه دوست داشتن خدای متعال، قبول دین او، اطاعت و تسلیم در برابر او، رسول و اولی الامر (نساء: ۵۹) است یعنی به قدر توان خود از دین اسلام پیروی نماید (ر.ک: همان، ص ۱۵۸). مفاد آیه «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...» (آل عمران: ۳۱) با عنایت به اطلاق آن، این است که اگر می‌خواهید عبادت شما بر اساس حب حقیقی باشد، از اسلام (شریعتی که برای پیامبر اسلام تشریح شده) پیروی کنید، پس اگر از من (پیامبر اسلام) پیروی کنید، خدا شما را دوست می‌دارد (ر.ک: همان، ص ۱۵۹).

شهید سلیمانی، نمونه عینی انسان مؤمنی بود که با اطاعت کامل، خدا را دوست می‌داشت و خدای متعال نیز او را عزیز کرد. با نگاهی به سیره شهید سلیمانی تمام ویژگی‌های مؤمن را می‌توان در او یافت. داشتن زندگی هدفمند، اطاعت از خدا، رسول و معصومین، نپذیرفتن ولایت کافران، جهاد با مال و جان در برابر کافران و ... را می‌توان در جزء جزء زندگی این شهید مشاهده کرد. ایمان به خدا او را شجاعانه تا خط مقدم نبرد با داعش می‌برد، بی‌آنکه ذره‌ای ترس یا تردید به خود راه دهد.

یکی از ثمرات اطاعت از خدای متعال رسیدن به قلب سلیم و نفس مطمئن است. قلب سلیم «مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (صافات: ۸۴) و نفس مطمئن (فجر: ۲۷) از ویژگی‌هایی است که مومن حقیقی و عزت مدار به آن دست می‌یابد. با توجه به سیاق آیه «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» (فجر: ۲۷)، نفس مطمئنه، نفسی است که با یاد پروردگار، سکونت یافته به آنچه او راضی است، رضایت می‌دهد و در نتیجه خود را بنده‌ای می‌بیند که مالک هیچ خیر و شر، نفع و ضرر برای خود نیست؛ از این رو اگر غرق در نعمت دنیایی شود، به طغیان و استکبار وادار نمی‌شود و اگر دچار فقر گردد، ناملایمات او را به کفر و ترک شکر وانمی‌دارد، بلکه هم چنان در عبودیت پابرجا است و ذره‌ای از صراط مستقیم منحرف نمی‌شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۲۰، ص ۲۸۵).

شهید سلیمانی دارای قلبی سلیم و نفسی مطمئن بود و به همین جهت از ادراکاتی برخوردار بود که هر کس از آن بهره‌ای نداشت. ادراکات قلبی و حضوری او فوق دیگران بود؛ چیزهایی را می‌فهمید که دیگران نمی‌فهمیدند، او خوب می‌فهمید که این دنیا فانی است مثل کسانی نبود که جذابیت دنیا موجب غفلت او از آخرت شده باشد (ری شهری، ۱۳۹۹) شهید سلیمانی نفس مطمئنه ای بود خدای متعال او را به سوی خود خواند (بهمنی، ۱۳۹۹).

عشق دیدار خدای متعال

یکی از مفاهیم عرفانی قرآن «لقاءالله» یعنی ملاقات با خدا است. ملاقات با خدا بالاترین آرزوی انبیاء و اولیای الهی است، آنان در این مقام احساس آرامش می‌کردند. آرامش واقعی در پرتو «لقاء الهی» و لقاء الهی بالاترین درجه امیدآفرینی است. مقصود از «لقاءالله»، ملاقات حسّی، همانند ملاقات افراد بشر با یکدیگر نیست زیرا خدای متعال جسم نیست تا با جسم ظاهر دیده شود بلکه مقصود رسیدن به «مقام قرب» و نزدیکی خدا است. هرگاه انسان، خدایی بشود و همه افکار، اعمال و وجود او رنگ خدایی بگیرد و صفات الهی در وجود او تجلی پیدا کند و در سیمای او خدا دیده



شود، به مقام «لقاء الله» دست یافته است.

مرحوم علامه طباطبائی در ذیل آیه «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ» (عنکبوت: ۵) می‌فرماید: مراد از «لقاء الله» قرار گرفتن بنده در حالتی است که بین او و پروردگارش حجابی نباشد، هم چنان که روز قیامت چنین خواهد شد، زیرا روز قیامت روز ظهور و آشکار شدن حقایق است «يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ» (نور: ۲۵) آن روز یقین می‌کنند که خدا، حق آشکار است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۰۲). آیه دیگر از شوق و اشتیاق مومنان برای لقای پروردگارش به میان آورده و می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» هر کسی که به لقاء پروردگارش امید دارد پس باید کار شایسته انجام بدهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند» (کهف: ۱۱۰). در این آیه راه رسیدن به لقاء الهی انجام عمل صالح، اخلاص در عبادت و بندگی ذکر شده و از آنجا که خدای متعال مبداء و مقصد است لذا اولیاء الهی مشتاق لقاء پروردگار هستند.

در بررسی سیره شهید سلیمانی کلمه «ملاقات پروردگار» مکرر دیده می‌شود. از درخواست دعا برای شهادت تا حضور شجاعانه در صحنه‌های سخت و نفس گیر؛ در آخرین دست نوشته شهید سلیمانی این اشتیاق برای لقای پروردگار این گونه آمده است: «خداوندا مرا بپذیر، خداوندا عاشق دیدارتم، همان دیداری که موسی را ناتوان از ایستادن و نفس کشیدن نمود، خداوندا مرا پاکیزه بپذیر» (آخرین دست نوشته منتشر شده، وصیت نامه شهید سلیمانی).

پذیرش رنگ الهی

مفاد آیه «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ» (بقره: ۱۳۸) این است که همه رنگ‌ها (نژاد، قبیله و...) را بزدايید و به رنگ الهی (رنگ ایمان و توحید خالص) در آيید. اگر مردم رنگ‌های خدایی یعنی رنگ وحدت، عظمت، پاکی، پرهیزکاری، رنگ بی‌رنگی، عدالت، مساوات، برادری و... و رنگ توحید و اخلاص را بپذیرند، می‌توانند در پرتو آن همه نزاع‌ها و کشمکش‌ها را از میان بردارند، ریشه‌های شرک و نفاق و تفرقه را برکنند. در حقیقت این همان بی‌رنگی و حذف همه رنگ‌ها است (مکارم و همکاران، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۴۷۴).

در سیره شهید سلیمانی رنگ خدا به وضوح آشکار است. تصمیمات او سنجیده بود و امور را با تدبیر دنبال می‌کرد، ذهنی پردازش‌گر داشت، خوب می‌شنید، خوب تأمل و تفکر می‌کرد و دقیق و بجا تصمیم می‌گرفت؛ آنگاه خوب عمل می‌کرد. رویه و رویکرد حل مسائل در امور مختلف داشت، به اصل بهره‌وری (که بر دو پایه کارآمدی و اثربخشی استوار است) پایبند بود و از مشورت دیگران بهره می‌جست. به کار جمعی معتقد بود و بدان بها می‌داد. به اتقان در عمل توجه داشت در عین وظیفه‌گرا بودن، نتیجه‌گرا بود و به محصول و غایت کار می‌اندیشید. در پرهیزکاری و تقوای شهید سلیمانی آمده است: برای صاحب منزلی که در عملیات آزادسازی بوکمال در دیرالزور سوریه از آن به عنوان مقر استفاده کرده بودند نامه‌ای نوشت؛ در این نامه برای استفاده بدون اجازه از خانه عذرخواهی کرد (روزنامه همشهری ۱۶/۱۰/۹۸).

فروتن در عین اقتدار

یکی از ویژگی‌های مومنان در قرآن کریم فروتنی در عین اقتدار است. این مطلب از آیه ۵۴ سوره مائده فهمیده می‌شود. خدای متعال در این آیه برای یاوران دین، پنج ویژگی ذکر می‌کند که در سه نوع رابطه، قابل جمع است: ۱.

رابطه شخص با خدای متعال «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»؛ ۲. ارتباط او با جامعه انسانی «أَذَلَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ»؛ ۳. رابطه او با مکتب «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»؛ این اوصاف را خدای متعال به گروهی خاص عطا می‌کند تا حافظ دین او باشند. کلمه «أَعِزَّهُ» جمع «عزیز» به معنای نفوذناپذیر (ر.ک: مفردات، ۱۴۲۶ ق، ص ۵۶۳؛ لسان العرب، بی تا ج ۵، ص ۳۷۶) است و عزت مؤمن به نفوذناپذیری اوست.

شهید سلیمانی در مسیر زندگی خود در عین فروتنی، اقتدار داشت. فرماندهی که داعش را نابود کرد در برابر مومنان و خودی‌ها، فروتن و مهربان بود. در خاطرات شهید چنین آمده: سربازی در مهدیه لشکر ثارالله در مراسم رسمی و سخنرانی، ادب را رعایت نکرده، بد نشسته بود و صحبت می‌کرد. سردار سلیمانی بعد از جلسه او را صدا کرد و با وجود اینکه فرمانده لشکر بود و می‌توانست اضافه خدمت برای آن سرباز معین کند به او گفت: برادرم، عزیزم، جلسه رسمی بود و سخنران از تهران داشتیم که مؤدب نشستگی و نظم را رعایت نکردی؛ حال که این کار را کردی، جزء ۳۰ قرآن را اگر حفظ کردی و آمدی، سؤال کردم و حفظ بودی، بی حساب می‌شویم؛ در غیر این صورت، با شما برخورد انضباطی می‌کنم (کریمی، ۳۴). در تمام خاطرات این شهید تواضع و ایثار از کلمات مهمی است که تکرار می‌شود (اکبری، ۱۳۹۹).

۳- تجلی عزت قرآنی شهید سلیمانی در بُعد اجتماعی

در این مقاله «اقبال به خدا»، «داشتن روحیه انقلابی» و «ولایت پذیری» سه نوع از انواع تجلی عزت قرآنی شهید سلیمانی در بُعد اجتماعی شمرده شده است که در ذیل بدان پرداخته می‌شود.

اقبال به خدا

در آیاتی از سوره ذاریات با بیان نشانه‌های ربوبیت، سخن از درک درست «توحید» به میان آمده است. ابتدا در چند آیه از هستی‌شناسی و خودشناسی سخن گفته سپس سرگذشت پیشینیان را متذکر شده است. در این آیات نتیجه دلایل مطرح شده با عبارت «فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ» (ذاریات: ۵۰) می‌آید؛ به این معنا که از هر چه غیر خداست گریخته و به سوی خدای متعال روی آورید.

شهید سلیمانی در مسیر اقبال به خدا به آزادی از زخارف دنیایی رسیده بود. او دنیا را به استخدام خود در آورده و به حقیقت آزادی دست یافته بود یعنی آزادی از غیر دنیا؛ حتی فرماندهی بر سپاه قدس هم فرصتی برای اقبال ایشان به سوی خدا شد؛ از آن فرصتی ساخت تا با هوشمندی و توان فرماندهی و مدیریتی به سرعت در منطقه و جهان تاثیرگذار باشد. جنگ ۳۳ روزه در لبنان و آشنایی با جریان مقاومت در فلسطین نیز او را به خدا نزدیک کرد و توانست با مهار نفس، به خدا نزدیک شود و به میزان نزدیکی‌اش به خدای متعال عزت‌مدار شود. به او گفتند: «خبر رسیده و شایعه شده و دهان به دهان چرخیده که شما شهید شده‌ای! خندیدید و گفت: اینها چیزهایی است که دشت‌ها و کوه‌هایی را برای پیدا کردنش پیموده‌ام» (کریمی، ۱۳۹۹).

اقبال شهید سلیمانی به خدای متعال باعث شد تا در عرصه دیپلماسی قدرت تأثیرگذاری فوق‌العاده‌ای را داشته باشد. قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد» (عنکبوت: ۶۲) یعنی شما وقتی مجاهدت و تلاش کردید خدای متعال شما را هدایت



می‌کند، راه درست را به شما نشان می‌دهد؛ این موضوع در تشییع ایشان در عراق و شناخت سایر کشورها از ایشان نمایان است.

تکلیف‌گرایی شهید سلیمانی از مصادیق دیگر اقبال اوست. ایشان همیشه تلاش می‌کرد در هر زمان، خواسته خدا و تکلیف الهی را برای خود شناسایی کند. او باور داشت که انسان وقتی در مسیر تکلیف قرار بگیرد بهترین نتیجه‌ها را خدا می‌دهد و می‌گفت «تکلیف با من است و نتیجه با خدا است» و همواره عالی‌ترین نتیجه را از خدا دریافت می‌کرد. لازم به ذکر است که یکی از مهم‌ترین راه‌های دستیابی به تکلیف، ولایت‌پذیری است. شهید سلیمانی حقیقت تقوی را در عمل به تکلیف، وظیفه شرعی در ابعاد می‌دید و ولایت‌مداری محض و پایدار را در زندگی خود دنبال می‌کرد (کریمخانی ۱۳۹۹).

داشتن روحیه انقلابی

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «معنای روحیه انقلابی این است که یک انسان انقلابی، شجاعت دارد، اهل اقدام و عمل است، ابتکار می‌ورزد، بن‌بست‌شکنی می‌کند، گره‌گشایی می‌کند؛ از چیزی نمی‌ترسد، به آینده امیدوار است، به امید خدا به سمت آینده‌ی روشن حرکت می‌کند» (بیانات: ۹۵/۰۸/۱۲). مقاومت در فرهنگ قرآنی به اندازه‌ای اهمیت دارد که خدای متعال به رسول خود دستور مقاومت می‌دهد. قرآن درباره پایداری در دین به پیامبر می‌فرماید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ...؛ همان‌گونه که فرمان داده شدی، پایداری کن» (هود: ۱۱۲)؛ در آیه دیگر با عبارت «فَاسْتَقِمْ؛ پایداری کنید» (یونس: ۸۹) به حضرت موسی و هارون دستور به استقامت بر پیروی از راه خدا را داده؛ در دو آیه نیز عبارت «فَاسْتَقِمْ؛ شما نیز بر عهد آنان) پایدار باشید» (فصلت: ۶؛ توبه: ۷) آمده که در سوره فصلت با بیان وحدانیت خدای متعال، خواهان استقامت بندگان در مسیر حرکت به سوی خداست. پس مقاومت نه تنها دستوری برای پیامبران، بلکه فرمانی عمومی برای همه بندگان خداست.

قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا؛ آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد» (عنکبوت: ۶۲) یعنی شما وقتی مجاهدت و تلاش کردید خدای متعال شما را هدایت می‌کند، راه درست را به شما نشان می‌دهد؛ این موضوع در تشییع ایشان در عراق و شناخت سایر کشورها از ایشان نمایان است.

شهید سلیمانی با تاثیرپذیری از آیات قرآن در جهت تقویت روحیه انقلابی خود و جامعه حرکت می‌کرد. در همین رابطه در قرآن آمده که خدای متعال، مجاهد را دوست دارد و این به میدان آمدن مردم نیز نتیجه یک عمر پر افتخار بود. به عنوان نمونه، در حادثه سیل خوزستان، آنچه مرزها را شکست، روحیه جهادی و انقلابی بود و شهید سلیمانی نیز در ایام سیل با همان روحیه جهادی و انقلابی، به خوزستان آمد، با وجود اینکه فعالیت ایشان به حسب ظاهر ارتباطی با سیل نداشت ولی ایشان با هیأتی، در آن جا حاضر شد با این استدلال که روزی مردم به کمک نیروهای مسلح آمدند و امروز نیروهای مسلح به کمک مردم می‌آیند؛ این همان روحیه انقلابی است که ناشی از عزت‌مداری ایشان است که در سن ۶۲ سالگی، همچنان به صورت جهادی، عمل می‌کند و این روحیه برخاسته از مکتب امام خمینی (ره) است.

همچنین در زلزله بم نیز به همراه شهید کاظمی در خط اول کمک رسانی به مردم بود (نصیرزاده، ۱۳۹۹، ص ۱۲۱).

شهید سلیمانی به معنای واقعی کلمه در مسیر اعتدال گام برمی داشت. او از ورود به حاشیه‌ها در هر زمینه‌ای دوری جست، اهل افراط و تفریط نبود؛ فراجناحی بود و نگاهش به جریان‌ات مختلف سیاسی که در زیر خیمه انقلاب فعالیت می‌نمایند به مثابه افراد یک خانواده با سلاطین متفاوت بود؛ کلیت جامعه ایرانی را یک خانواده می‌دانست بینش او هم‌گرایانه و تلاش او هم‌افزایانه بود برای او وحدت و انسجام ملی به غایت مهم بود و به لحاظ اینکه بینشی وسیع و جامع‌نگر داشت بیشتر بر مشترکات رویکردهای افراد و شخصیت‌ها و مجموعه‌ها تأکید می‌نمود تا بر وجوه تمایز آن‌ها. در عین حال او مشی انقلابی را پیشه ساخته و استمرار آن را کاملاً ضروری می‌دانست.

شهید سلیمانی نمونه شاخص و کمال یافته‌ای از یاران امام و رهبری بود. کسی که در دامان مکتب فکری اسلام و انقلاب بزرگ شد و با تمسک به ولایت دینی، عقلانیت، اعتدال و اخلاق، مشی جهادی اثرگذاری را در دفاع از ملت‌های ایران و منطقه پدیدار ساخت (اکبری، ۱۳۹۹).

ولایت‌پذیری

ولایت‌پذیری شهید سلیمانی از برجسته‌ترین خصوصیات او به شمار می‌رود و این امر بر همگان عیان است. آیاتی در باره ولایت امامان علیهم السلام در قرآن آمده مانند آیات معروف به «آیه ولایت» (مائده: ۵۵)، «آیه تبلیغ» (مائده: ۶۷)، «آیه اکمال دین» (مائده: ۳). هم‌چنین خدای متعال در آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و رسول و اولیای امر خود را اطاعت نمایید» (نساء: ۵۹) دستور به اطاعت مطلق از خود، اطاعت از رسول و اولی الامر می‌دهد. مصادیق اطاعت از اولی الامر در عصر حضور ائمه علیهم السلام، امامان هستند اما در زمان غیبت کبری، فقیه جامع الشرایط این مهم را به عهده دارد.

طبق آیه مذکور اطاعت از اولی الامر واجب است. این اطاعت در زمان حضور امام با رعایت از اوامرو نواهی او تحقق می‌یابد و در زمان غیبت با پیروی از فقیه جامع الشرایط است که نیابت عام از حضرات معصومان علیهم السلام دارد چنان‌که در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلِيًّا هَوَاهُ مُطِيعًا لَامِرٍ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يَقْلُدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا لِبَعْضِ فَقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا جَمِيعِهِمْ؛ (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۵۸) یعنی افرادی از فقها که دارای چنین خصوصیتی هستند، آنها دارای ولایت اند و مردم نیز موظف به تولی (پذیرش ولایت) آنها هستند. شمول آیه نسبت به فقیه، از این جهت است که منصوب از طرف اولی الامر است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۲۷۷).

شهید سلیمانی در مراسم سالگرد شهادت شهید حسن اسدی درباره مقام معظم رهبری چنین گفتند: قوام ایران اسلامی و بقای آن به رهبریت آن است. مردم، از من قبول کنید، من عضو هیچ حزب و جناحی نیستم و به هیچ طرفی جز کسی که به اسلام و انقلاب خدمت می‌کند، تمایل ندارم، اما این را بدانید والله علمای شیعه را تماماً و از نزدیک می‌شناسم؛ الان ۱۴ سال شغل من همین است. علمای لبنان، پاکستان، حوزه خلیج فارس را می‌شناسم. چه شیعه و چه سنی والله، شاهد بالله، سرآمد همه این روحانیت، این علما از مراجع ایران و مراجع غیر ایران، این مرد بزرگ تاریخ یعنی آیت الله العظمی



خامنه‌ای است (۱۳۸۹/۰۸/۰۱). شهید سلیمانی در سخنانی، از نقش مؤثر رهبر معظم انقلاب در حفظ تدین و مصونیت جامعه اسلامی گفته و خاطر نشان کرده است که حکومت مقام معظم رهبری همچون قله مرتفعی است که قطعاً تاثیر گذار است و تاثیر حضور رهبر انقلاب بیش از تاثیر یک حکومت است (فیلم سخنرانی شهید سلیمانی). تاکنون از دو بُعد فردی و اجتماعی تجلی عزت قرآنی شهید سلیمانی بحث شد و اینک به بُعد بین‌المللی ایشان پرداخته خواهد شد.

۵- تجلی عزت قرآنی شهید سلیمانی در بُعد بین‌المللی

«جلوگیری از سلطه کفار بر مؤمنان و جامعه ایمانی»، «شدید در مقابل بیگانگان، مهربان در ارتباط با خودی‌ها»، «اجرای دقیق سیاست خارجی اسلام» و «شجاعت در عرصه بین‌المللی» جزو نمونه‌های تجلی عزت قرآنی شهید سلیمانی در بُعد بین‌المللی مد نظر این مقاله است که در ذیل می‌آید.

جلوگیری از سلطه کفار بر مؤمنان و جامعه ایمانی

خدای متعال در آیات متعددی مؤمنین را از قرار گرفتن زیر سلطه کفار منع کرده است که در فقه، به قاعده «نفی سبیل» شهرت دارد. بسیاری از مفسران، فقها و سیاسیون بر این قاعده تکیه کرده‌اند؛ استناد آن‌ها به سه آیه (آل عمران، ۲۸؛ نساء، ۱۴۱ و ۱۴۴) است که بر این مطلب صراحت دارد. شاخص‌ترین مطلب در این قاعده، عبارت «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ خدا هیچ راهی برای (تسلط) کافران بر مؤمنان قرار نداده است» (نساء، ۱۴۱) است. نهی خدای متعال از ولایت کافران بر مؤمنان در عبارت مذکور به این معناست که آنها نباید عهده‌دار امور مربوط به مؤمنان باشند و بر آنان سلطه یابند. همین معنا از آیه ۱۴۴ سوره نساء نیز استفاده می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِ تَرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را دوست (و سرپرست) مگیرید؛ آیا می‌خواهید، علیه خود دلیلی روشن، برای خدا قرار دهید؟».

نتیجه این که مؤمنان به مقتضای ایمان خود و بندگی در درگاه الهی، این استحقاق را می‌یابند که خدای متعال به حکم جعل تشریحی، آنها را از زیر سلطه کفار خارج می‌کند یعنی با عبودیت به این استحقاق دست می‌یابند. مؤمنین در سایه ایمان خود و با پشتیبانی آیات نفی سبیل، باید در برابر هر گونه اعمالی که موجب تسلط کفار بر آنان شود، مقاومت کنند تا وعده الهی مبنی بر جهانی شدن دین حق را تحقق بخشند. شهید سلیمانی یکی از افرادی است که در بعد داخلی و بین‌المللی در جهت از بین بردن سلطه کفار حرکت کرد.

سردار سلیمانی یک عمل‌گراست و در رویایی با مشکلات تاکتیکی توانایی رهبری خود را ثابت کرده است. منابع موجود، او را فرماندهی معرفی می‌کنند که مهارت در تاکتیک‌های نظامی را خیلی پیش‌ترها و با تجربه شخصی آموخته است و به نظر می‌رسد برای این تجربه‌ها ارزش و اعتباری پیش از دستورات مقام‌های بالاتر قائل است. سردار سلیمانی یک فرمانده محتاط و محافظه‌کار نیست و می‌گوید: «بهترین دفاع، حمله است» در چهارم مرداد ۱۳۶۶، نیروهای عراقی تقریباً لشکر ۴۱ ثارالله را به محاصره کامل در آوردند، ولی سردار سلیمانی با وجود فشار مدام و پیش‌روی روزانه عراقی‌ها، طرح یک ضدحمله را ریخت که البته فرماندهان مافوقش آن را نپذیرفتند و ایران نهایتاً در این درگیری‌ها شکستی خورد

که شاید با اجرای نقشه سلیمانی می‌شد جلوی آن را گرفته می‌شد (اکبری ۱۳۹۹، حاج قاسم).

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی را این‌گونه برشمردند: «تحریک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه... و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه ... بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است ...» (بیانیه گام دوم).

شدید و رحیم

شخصیت شهید سلیمانی در پرتو عزت قرآنی به گونه‌ای شکل گرفته که از ایشان فردی دلسوز در امر مسلمانان، مهرورز بر مردم و سختگیر بر مستکبران و دشمنان ساخته است.

خدای متعال در سوره فتح ترسیمی از جامعه اسلامی دارد، آن‌جا که می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَصِيَبَهُمُ الْكُفَّارَ...» محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند بر کافران سخت‌گیر (و) در میان خود مهرورزند؛ آنان را رکوع کنان [و] سجده کنان می‌بینی، در حالی که بخشش و خشنودی‌ای از خدا می‌جویند؛ نشانه آنان در چهره‌هایشان از اثر سجده [نمایان] است؛ این مثال آنان در تورات است و مثال آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌اش را بیرون آورده، پس آن را تقویت کرده و محکم گرداند، پس بر ساقه‌های خود راست قرار گیرد، در حالی که کشاورزان را شگفت زده کند. این آیه جامعه اسلامی را ترسیم می‌کند که دارای چهار مؤلفه است: ۱. همراهی با رسول صلی الله علیه و آله و سلم؛ ۲. قوی و شدید در مقابل بیگانگان، مهربان در ارتباط با خودی‌ها؛ ۳. عبودیت افراد جامعه؛ ۴. تلاش با امید به فضل خدا.

قسمت اول این آیه، همراهی عبادی و همگانی سیاسی و نظامی یاران و همراهان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بیان کرده، می‌فرماید: همراهان رسول خدا افزون بر عبادت (رکوع، سجود، شب زنده داری) نسبت به یکدیگر، رحیم و مهربان و در برابر بیگانگان، شدید و با صلابت‌اند؛ ذیل آیه نیز هماهنگی و همراهی اقتصادی آنان را بیان کرده، آنان را به زرع تشبیه می‌کند که جوانه، ریشه، ساقه، شاخه و محصولش را خود برآورده، در همه شئون، خودکفاست (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۱ ش، ج ۱، ص ۵۳۹-۵۴۰)؛ این خودکفایی همه جانبه نتیجه عبودیت محض است که عبد، خود را مطیع حضرت حق دانسته و تحت ولایت او قرار می‌دهد و خدای متعال نیز به او دستور می‌دهد تا از رسول اطاعت نماید که در سایه آن به مقاومت در برابر دشمن دست خواهد یافت.

اجرای دقیق سیاست خارجی اسلام

حضرت آیت الله خامنه‌ای در دو قسمت از بیانیه گام دوم که برگرفته از کتاب و سنت است، به بحث روابط بین



الملل پرداخته، در یک جا می‌فرماید: «به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی» و در جای دیگر چنین توضیح می‌دهند «عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل عزت، حکمت، و مصلحت، در روابط بین‌المللی‌اند» (بیانیه گام دوم). از آیات قرآن به دست می‌آید که سیاست خارجی اسلام بر اساس جذب و جلب است اما در مواردی که موجب لطمه به اسلام و مسلمانان است به بهره‌گیری از سیاست دفع دستور می‌دهد. آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که به شدت از سرپرست قرار دادن کافران یا در میان‌گذاردن اسرار با آنان، نهی کرده است به عنوان نمونه مفاد آیه «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۲۸) چنین است که افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را سرپرست خود انتخاب کنند مگر در برخی موارد مانند زمانی که نیاز به تقیه باشد؛ همچنین در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا» (آل عمران: ۱۸۸) خطاب به مؤمنین می‌فرماید محرم اسرار از غیر خود انتخاب نکنید.

اسلام دین جهانشمول (کلی و دائمی) است و گرچه همه افراد جهان، مسلمان نیستند، ولی دین جهانی با جهان‌مشتت، زندگی مسالمت‌آمیز در سه سطح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد: سطح محلی آن، منوط به حوزه اسلامی، سطح منطقه‌ای آن راجع به حوزه توحیدی، اعم از اسلام، مسیحیت و یهودیت است و قلمرو بین‌المللی آن ناظر به جنبه انسانی است که اعم از موحد و ملحد است. بر این اساس رابطه با کافران نیز دارای چهار قسم است: ۱. رابطه یک جانبه یعنی مؤمن سرپرستی و ولایت کافر یا کافرانی را بر خود بپذیرد، که خداوند بر اساس «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) چنین ولایتی را برای هیچ کافری بر هیچ مؤمنی قرار نداده و هیچ مسلمانی حق چنین کار ناروایی را ندارد؛ ۲. رابطه دو جانبه: هر یک از مؤمن و کافر، دیگری را ولی، ناصر یا محب خود بداند؛ که این قسم نیز چون «مَنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» است، ممنوع است، زیرا جامعه ایمانی ملت واحد است و کسی که عضو این جامعه باشد ولی همکیشان خود را رها و با کافران پیوند ویژه برقرار کند، معصیت کرده و از تهدید الهی در امان نیست؛ ۳. رابطه ولایی با مؤمنان و نیز با کافران و مشرکانی که هم پیشینه بد دارند و هم آینده سوء؛ که قرآن کریم رابطه با چنین کافرانی را ممنوع کرده است، بلکه به قتل کافران و مشرکان مهاجم، مزاحم و توطئه‌گر فرمان داده است که آنان را هر جا یافتید، بکشید: «وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمْ» (بقره: ۱۹۱)، زیرا آن‌ها طبق آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَّةِ» (ممتحنه: ۱-۲) هر گونه دشمنی را درباره مسلمانان اعمال خواهند کرد؛ ۴. پیوند ولایی با مؤمنان و رابطه (همزیستی مسالمت‌آمیز) با کافرانی که پیشینه سوء ندارند یا سابقه سوء دارند ولی درباره آینده آنان نگرانی نیست و هرگز در صدد نابودی و محو اسلام و مسلمانان نیستند، بلکه خواهان زندگی انسانی مسالمت‌آمیز متقابل با مسلمانان‌اند. ارتباط با این کافران در کنار پیوند ولایی با برادران ایمانی رواست، «لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنْ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَأْتِيَهُمْ فِي الدِّينِ» (ممتحنه: ۸-۹) (ر.ک: جوادی، ج ۱۳، ص ۳۶۰-۳۳۱)؛ بنابراین اصل بر جواز رابطه بین‌المللی است و اینکه رابطه بین الملل همواره باید حسنه، حق‌پسند و انسانی باشد. البته اصل در به کار گرفتن کافران در پست‌های



کلیدی، عدم جواز است (ر.ک: جوادی، ج ۱۵، ص ۴۳۳-۴۳۶).

در بررسی سیره شهید سلیمانی این نکته قابل توجه است؛ البته آگاهی ایشان صرفاً از طریق مطالعه نبود بلکه ایشان دانش خود را بسیار از طریق میدانی، گفتگو و ملاقات به دست آورده بود. ایشان با مسئولین بسیاری از کشورها دیدار می‌کرد؛ البته دیدار ایشان همانند وزرای خارجه مقابل دوربین های تلویزیونی نبود، بلکه خارج از این فضا و به دور از رسانه ها انجام می‌شد.

پروژه اصلی حاج قاسم در واقع جمع‌آوری و متحد کردن امت اسلامی به سمت و سوی هدف بود. البته این جمع کردن برای یک کنفرانس نبود بلکه در چارچوب پروژه واقعی و حقیقی بود و این یک پروژه اسلامی واقعی است که هدف اصلی آن به پا خواستن امت اسلامی در مقابل دشمنان واقعی آن بود. این یک پروژه فراقومیتی و فرامذهبی است و هر کسی که می‌خواهد در این چهارچوب قرار بگیرد، مورد استقبال و با آغوش باز استقبال می‌شود. برخی از فتنه‌گران یا گمراهان به گونه‌ای وانمود می‌کردند که پروژه نفوذ ایران است. البته رهبر معظم انقلاب با رد این موضوع بیان کردند که کشور ایران کشور بزرگی است و خودش منابع بزرگی دارد و همین کافی است و ما به دنبال اشغال کشور دیگری نیستیم و این یک پروژه اسلامی است که حول کشورهای دیگر و با محوریت مودت با دوستان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و دشمنی با دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم جمع می‌شود.

این پروژه برای برترسازی یک ایرانی در مقابل یک ترکی و در مقابل فلسطینی نیست بلکه برعکس آن ممکن است یک ایرانی برای پروژه امت اسلامی جان خود را فدا کند. ما پروژه را از داخل آن دیدیم و با آن زندگی کردیم. ما فقط این پروژه را نخواندیم بلکه با آن زندگی کردیم. این پروژه ای است که بر اساس پروژه مقاومت ایجاد شده است. این پروژه تنها چیزی که می‌خواست، عدل و عدالت در زمین است؛ چیزی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌خواهد در جهان بسط دهد (ابوشریف، ۱۳۹۹).

شجاعت در عرصه بین‌المللی

شجاعت یک امر پسندیده قرآنی و عقلی است، خدای متعال درباره افراد ترسو و سست عنصری که همیشه دنبال بهانه بوده و روحیه دیگران را نیز از بین می‌برند، می‌فرماید: «أَلَوْ خَرَجُوا فِیْكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَ لَأَوْضَعُوا خِلالَكُمْ یَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَ فِیْكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَ اللَّهُ عَلِیمٌ بِالظَّالِمِینَ؛ اگر آنها همراه شما (به سوی میدان جهاد) خارج می‌شدند، جز اضطراب و تردید و فساد، چیزی بر شما نمی‌افزودند و به سرعت در بین شما به فتنه‌انگیزی (و ایجاد تفرقه و نفاق) می‌پرداختند و در میان شما افرادی (سست و ضعیف) هستند که به سخنان آنان کاملاً گوش فرا می‌دهند و خداوند، ظالمان را می‌شناسد» (توبه: ۴۷).

شهید سلیمانی در زمانی که همه دم از مذاکره می‌زدند مصداق عینی آیاتی بود که سرعت عمل و به هنگام بودن را توصیه می‌کردند. مانند عبارت «فَأَسْرِبْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّیْلِ؛ در تاریکی شب، خانواده ات را حرکت ده» (هود: ۸۱) و عبارت «أَنَا آتِیْكَ بِقَبْلِ أَنْ یَرْتَدَّ إِلَیْكَ طَرْفُكَ؛ من پیش از آن که چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد» (نمل: ۴۰). بی‌شک سرعت عمل یکی از ویژگی‌های ضروری هر فرمانده نظامی است؛ اما ماهیت کارزاری که او در آن وارد



شده بود به گونه‌ای بود که بایستی چون صاعقه بر سر دشمن غدار فرود می‌آمد. مکالمه مسئولین منطقه با او و خبردادن از نزدیک شدن داعش به آنان، استمداد جستن از او و حضور برق آسایش در میانه میدان، در کمترین زمان ممکن و شکستن محاصره‌ای که حلقه آن توسط داعش دما دم تنگ‌تر می‌شد تنها یکی از خاطرات ماندگاری است که مسئولین منطقه از آن با شگفتی یاد می‌کنند (اکبری، ۱۳۹۹، ذوالفقار).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

الف. نتیجه‌گیری

در بررسی مفهوم عزت به معنای صلابت در قرآن کریم مصادیق گوناگون آن عزت مورد تتبع قرار گرفت. عزت در مکتب سلیمانی برگرفته از قرآن و سنت معصومین علیهم السلام است. چگونگی تجلی عزت در مکتب سلیمانی با اثرپذیری از قرآن و اثرگذاری بر دیگران از اهداف مقاله حاضر بود که در سه بُعد فردی، اجتماعی و بین‌المللی به آن پرداخته شد و نتایج ذیل را به همراه آورد:

۱. بررسی مفهوم عزت راهگشای خوبی در جهت رسیدن به مدل صلابت برای افراد و نظام جمهوری اسلامی است و مدل عزت و اقتدار در روابط فردی، اجتماعی و بین‌المللی مردم و نظام جمهوری اسلامی حکم فرما شود.
۲. بررسی سیره شهید سلیمانی و گفت‌وگو از مکتب سلیمانی نحوه تعامل عزت مدارانه این شهید را در تمام ابعاد زندگی آشکار کرد.
۳. عزت در مکتب سلیمانی توانسته است نحوه تنظیم روابط این شهید را آشکار سازد و عامل موفقیت او شود. دستیابی به عزت قرآنی در پرتو ایمان و انجام اعمال صالح، امری ممکن است و فرد به میزان نزدیکی به خدای تعالی به آن دست می‌یابد که شهید سلیمانی در این امر موفق بوده است.
۴. بررسی زندگی شهید سلیمانی به عنوان مردی که دنیا او را به اقتدار می‌شناسند و اندیشمندان و سیاستمداران زیادی خواهان دیدار با او بودند، راهنمای خوبی برای عملکرد در جامعه جهانی است. عزتی که برگرفته از قرآن بود و صلابتی که از کنترل نفس و پیروزی بر هوای نفس نشأت گرفته بود.
۵. برای تحقق اهداف «دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی»؛ در بیانیه گام دوم، توجه به مؤلفه‌های مکتب شهید سلیمانی لازم است و الگوی خوبی را در «مقام عمل» معرفی می‌نماید.

ب. پیشنهادها

موضوعات مختلف در مکتب سلیمانی، ترسیمی از چشم انداز ادامه کار را ارائه می‌دهد و در موضوعات ذیل قابل پژوهش است:

۱. رابطه موفقیت شهید سلیمانی با عبودیت

۲. تأثیر شهید سلیمانی در گرایش مردم کشورهای دیگر به ایران

۳. بررسی رابطه شهید سلیمانی با مردم عراق و سوریه و تأثیر آن در امیدبخشی.

منابع

- قرآن
- ابن فارس، احمد (۱۴۱۱ ق)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابوشریف، ناصر (۱۳۹۹)، سبک مدیریت شهید سلیمانی در پیشبرد آرمان قدس شریف.
- اکبری، علی (۱۳۹۸)، حاج قاسم ۲، تهران: یازهران.
- اکبری، علی (۱۳۹۸)، حاج قاسم، تهران: یازهران.
- اکبری، علی (۱۳۹۹)، ذوالفقار، تهران: یازهران.
- اکبری، علی (۱۳۹۹)، متولد مارس، تهران: یازهران.
- بهمنی، (۱۳۹۹)، نفس مطمئنه، پایگاه جامعه مدرسین. <https://zaya.io/hl5ws>
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، تحقیق: علی اسلامی، قم: اسراء.
- _____ (۱۳۸۹)، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، تحقیق: سعید بندعلی و دیگران، قم: اسراء.
- خامنه ای، سید علی (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۶ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: منشورات طلیعة النور.
- رضائیان، زهرا (۱۳۹۹)، نگاهی به ویژگی‌های سردار مکتب‌ساز، حاج قاسم سلیمانی، (ره توشه) دفتر تبلیغات.
- ری شهری، محمد (۱۳۹۸)، رسا، <https://yun.ir/cdx>
- سلیمانی، قاسم (۱۳۹۸)، وصیت نامه شهید سلیمانی.
- شفیعی، (۱۳۹۹)، روحیه جهادی انقلاب، جهاددانشگاهی، <https://zaya.io/bgzil>
- شورای فرهنگ عمومی، ۱۳۹۸، بیانیه‌ای تفصیلی در خصوص «تبیین مولفه‌های مکتب شهید سردار سلیمانی» <https://zaya.io/cfyu1>
- شیرازی، علی (۱۳۹۹)، مجموعه گفتارپژوهی های مکتب شهید سلیمانی، سبک زندگی اسلامی در مکتب شهید سلیمانی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳)، الاحتجاج، مشهد: نشر مرتضی.
- طهماسبی، عالمه (۱۳۹۹)، سلیمانی عزیز، قم: زیتون.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق)، کتاب العین، نشر هجرت.
- فیلم سخنرانی شهید سلیمانی <https://zaya.io/cs7ku>
- کاوه، ناصر (۱۳۹۸)، من قاسم سلیمانی هستم، تهران: نوآوران سینا.
- کرامتی، مرتضی (۱۳۹۸)، سربازان سردار، قم: سه نقطه.



- کریمخانی، احمد (۱۳۹۹)، مجموعه گفتارپژوهی های مکتب شهید سلیمانی، منطق رفتار سیاسی شهید سلیمانی.
- کلینی، محمدین یعقوب (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مهروان فر، ابوذر (۱۳۹۷)، برادر قاسم، تهران: مهر امیرالمومنین.
- نصیرزاده، قاسم (۱۳۹۹)، سردارمقاومت، قم: خادم الرضا.

